دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۴۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

«فرهیختگان» آثار برخی پژوهشگران با موضوع برنامه هسته‌ای کشور را بررسی کرد

حق مسلّم به روایت مقالات علمی

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

امروز با داشتن رآکتور هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم می‌توان در عرصه‌های مختلف از جمله تولید برق، پزشکی و دارویی مانند تشخیص و درمان سرطان‌های مختلف، افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی به دستاوردهای قابل‌توجهی رسید. طیف وسیع کاربردهای فناوری هسته‌ای، باعث شده بسیاری از کشورها به دنبال رسیدن به آن باشند. اولین‌بار سال ۱۸۹۶ بود که هنری بکرل با کشف تابش‌های عجیب اورانیوم زمینه را برای توسعه این علم در دنیا برداشت. بعد از آن پیر کوری و ماری کوری بودند که با کشف عنصر رادیوم کمک زیادی به توسعه برنامه هسته‌ای کردند. ایران نیز از ابتدای دهه ۳۰ داشتن برنامه هسته‌ای را جزء اهداف خود قرار دارد و اوایل دهه ۵۰ نیز سازمان انرژی اتمی کشور به صورت رسمی آغاز به کار کرد تا اینگونه تلاش‌های ایران برای رسیدن به این فناوری به بیش از ۷ دهه برسد. بااین‌حال بعد از پیروزی انقلاب و حرکت دوباره کشور به این سمت که با ساخت سایت هسته‌ای بوشهر در سال ۱۳۷۴ همراه بود، آمریکا تحریم‌های بی‌حساب و کتابی را علیه ایران وضع کرد تا اینگونه مانع رسیدن ایران به این فناوری شود. در این میان رژیم صهیونیستی که صاحب کلاهک‌های هسته‌ای متعددی است، با طرح ادعای بی‌اساس مبنی بر تلاش ایران برای رسیدن به بمب اتم، در طول بیش از یک دهه گذشته، دست به ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان زد. رژیمی که بالاخره ۲۳ خردادماه با چراغ سبز آمریکا و حمایت همه‌جانبه این کشور، به ایران حمله کرد تا این بار نه‌تنها دانشمندان هسته‌ای، بلکه فرماندهان نظامی و مردم عادی را هم هدف بگیرد؛ جنگی که رژیم برای نجات آن پای آمریکایی‌ها را هم به حمله نظامی مستقیم باز کرد تا به خیال‌شان با بمباران سایت‌های نطنز، فردو و پارچین توان علمی و عملی ایران را برای توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشور ببندد. در این گزارش نگاهی به هفت مقاله منتشر شده با برنامه هسته‌ای و تأثیر رژیم صهیونیستی و آمریکا نسبت به برنامه صلح‌آمیز کشورمان داشته‌ایم.

چرا برنامه هسته‌ای برای ایران مهم است؟

یکی از سؤالات مهمی که پیرامون برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد، این است که چرا تا این اندازه حفظ این برنامه برای کشور و حاکمیت اهمیت دارد؟ موضوعی که قطعاً پاسخ به آن می‌تواند دلیل تاب‌آوری مردم در مقابل تحریم‌ها و حتی جنگ ۱۲ روزه را هم به خوبی به تصویر بکشد. مقاله «تحلیل بر ساخت‌گرایانه سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» که توسط حسین مهدیان و امیرحسین نعمتی، استادیار و دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه افسری امام علی(ع) در سال گذشته نوشته شده، این سؤال را اینگونه پاسخ می‌دهد: «عامل اصلی شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ایران تا رسیدن به فناوری و تکمیل تکنولوژی چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، از سوی نظام جمهوری اسلامی عامل هویتی بوده که در راستای این نگاه، دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به‌عنوان نمادی از استقلال و توانایی در کسب علوم و تکنولوژی برتر برای افزایش پرستیژ و ارتقای جایگاه هویتی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل تلقی می‌شود.» موضوع مهم در این میان تغییر نگاهی است که در طرف مقابل به‌ویژه آمریکایی و اروپایی به دلیل مقاومت و پایداری ایرانیان برای احقاق حقوق هسته‌ای‌شان همزمان با پیشرفت‌های قابل‌توجه کمی و کیفی ایجاد شده است و آن‌ها نیز این مسئله را پذیرفته‌اند که داشتن انرژی هسته‌ای، از حیث هویتی برای ایرانیان از اهمیت بالایی برخوردار شده است. موضوع دیگری که در این مقاله به آن تأکید شده آن است که برایند نگاه و رویکرد ایرانیان در مسئله هسته‌ای، همه طرف‌های مقابل ایران را به این درک رسانده که در بحث برنامه هسته‌ای و پرونده هسته‌ای، تغییر رئیس‌جمهور در ایران به تغییرات در شیوه و تاکتیک‌های مذاکره می‌انجامد؛ اما به دگرگونی قابل‌توجهی در سایت‌های هسته‌ای ایرانیان منجر نخواهد شد. موضوعی که دلیل آن همان بحث هویتی برنامه هسته‌ای برای کشورمان است. مسئله دیگر آنکه طرفداران برنامه هسته‌ای داخل معتقدند داشتن یک برنامه هسته‌ای پیشرفته، غرور برانگیز بوده و باعث ایجاد پرستیژ برای کشورمان می‌شود، در نهایت هم در نظام بین‌المللی موضع و جایگاه ایران را ارتقا خواهد بخشید.

ترویج ایران‌هراسی از سوی صهیونیست‌ها به بهانهٔ برنامهٔ هسته‌ای

با وجود اینکه در حمله آخر، رژیم صهیونیستی و آمریکا مشارکت داشتند، اما واقعیت این است که لابی‌گری رژیم صهیونیستی تنها به کنگره و دولت آمریکا در طول دهه‌های گذشته خلاصه نشده و لابی‌های یهودی با حضور در بدنه تصمیم‌گیر اتحادیه اروپا، تلاش کردند تا حمایت آن‌ها را به دست آورند. بر اساس مقاله «تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران» که توسط مهدی ذاکریان‌امیری، دانشیار گروه روابط بین‌الملل از دانشگاه علوم و تحقیقات، زهرا الوندی، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل این دانشگاه، سیدعبدالعلی قوام و حمید احمدی استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و تهران در سال ۹۸ منتشر شده، کنگره یهودیان اروپا، دوستان اروپایی اسرائیل، مؤسسه فرا آتلانتیک کمیته یهودیان آمریکا و بنیاد اروپایی برای دموکراسی، نهادهای فعال اسرائیل علیه سیاست ایران در اتحادیه اروپا هستند. نهادهایی که با لابی‌گری بیش از حد باعث شدند در نهایت تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا علیه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ شروع شود و طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها نظیر محدودیت‌های نظامی، تجاری، مالی و اقداماتی در بخش حمل و نقل را بر ایران اعمال کرد. این مقاله تأکید می‌کند لابی اسرائیل با بزرگ‌نمایی فعالیت برنامه هسته‌ای ایران به‌مثابه کابوس بمب هسته‌ای، ایران را به‌عنوان تهدید وجودی در منطقه و عامل بی‌ثباتی نشان می‌داد؛ موضوعی که برای آن‌ها نتایجی هم به همراه داشت؛ چراکه اتحادیه اروپا در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های مصوب خود، رفتار ایران در منطقه را به علت یهودستیزی، تداوم فعالیت برنامه هسته‌ای و تهدید اسرائیل محکوم و از کلمه تهدید وجودی در قالب تهدید موجودیت اسرائیل نام می‌برد. رفتاری که نشان می‌دهد اتحادیه اروپا، ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه اسرائیل در منطقه پذیرفته است. در واقع لابی اسرائیل با بزرگ‌نمایی تهدید ایران توانسته این ادراک را برای همه اروپاییان تصویرسازی کند که ایران با دستیابی به سلاح هسته‌ای تهدیدی برای همه جهانیان است.

فعالیت توپخانهٔ رسانه‌ای غرب علیه برنامهٔ هسته‌ای ایران

یکی از موضوعات اساسی در برنامه هسته‌ای ایران، راه انداختن جنگ رسانه‌ای و القای پیام تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتم در دنیا از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌هاست. مقاله «شبکه‌های ذهن و قدرت رسانه‌ها در بازنمایی غیرواقعی برنامه هسته‌ای ایران» که توسط محمدرضا تخشید و سیدمحمدعلی علوی، استادیار و کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۳ نوشته شده، به خوبی نقش جنگ رسانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای کشور را بازگو می‌کند. این مقاله روش‌های برخورد رسانه‌های غرب علیه برنامه هسته‌ای را موردبررسی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند: «بیشترین تلاش رسانه‌ها، برجسته‌سازی و ارائه گزینشی اطلاعات در راستایی است که با تسلط بر افکار عمومی به‌خصوص افکار عمومی آمریکا، بتوانند هرگونه اقدام ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای را غالباً به منزله تلاش این کشور برای رسیدن به بمب اتم تفسیر و در نتیجه آن را در راستای دستیابی تروریسم به سلاح اتمی بازنمایی کنند.» طبق این مقاله از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳، در مجموع ۲۳ درصد مقامات رسمی آمریکا ایران را به تروریسم معرفی کرده‌اند و این میزان در بین بدنه کارشناسان این کشور به ۲۶ درصد می‌رسد. همچنین ۲۹ درصد مقالات این کشور ایران را به‌عنوان کشوری که به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است، در افکار عمومی جا انداخته‌اند، رقمی که سهم آن در بدنه کارشناسی به ۲۶ درصد می‌رسد. بر اساس این مقاله رسانه‌ها با تمرکز بر یک سری کلیدواژه‌ها و عبارات تهدیدآمیز و امنیتی و انتصاب آن‌ها به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تلاش کردند اقدامات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به منزله دستیابی این کشور به بمب اتمی تصویر کنند. خطی که به دنبال آن بود تا اینگونه به افکار عمومی دنیا القا کند در صورت دستیابی جمهوری اسلامی ایران به توانمندی هسته‌ای، جهانی را بایستی تصور کرد که در آن تروریست‌ها به بمب اتم دست پیدا کرده‌اند. در عمل هم این رسانه‌ها بودند که به دلیل استفاده پی‌درپی چهارچوب خبری خود حول این موضوع، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در قالب تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی نهادینه کردند.

تلاش صهیونیست‌ها برای به بن‌بست کشاندن مذاکرات هسته‌ای ایران

با وجود اینکه رژیم صهیونیستی در تمام این سال‌ها ادعاهای واهی را علیه ایران مطرح کرده، اما نه‌تنها با تغییر دولت‌ها در آمریکا، رفتار سران این رژیم هم تغییر کرده، بلکه هرگاه ایران در حال مذاکره برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود بوده، سران این رژیم تلاش کرده‌اند تا به اشکال مختلف مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهند. اتفاقی که در نهایت هم دیدیم ۲۳ خرداد ماه، این رژیم در حالی که کشور پای میز مذاکرات غیرمستقیم با آمریکایی‌ها بود، دست به حمله نظامی علیه ایران زد. مقاله «راهبرد اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در دوران ترامپ و بایدن» که در سال ۱۴۰۱ از سوی فرزاد رستمی، دانشیار روابط بین‌الملل، آزاده الفتی، دانشجوی دکتری و زینب شاهمرادیان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه رازی نوشته شده، با مقایسه راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای ایران در دوران ترامپ و بایدن، به این مسئله تأکید می‌کند که سران این رژیم، بازدارندگی هسته‌ای را ضامن امنیت خود می‌دانند و به همین دلیل، از نگاه آن‌ها هیچ کشوری در خاورمیانه نباید سلاح اتمی داشته باشد. بررسی تاریخی رفتار رژیم صهیونیستی در این مقاله نشان می‌دهد عدم موفقیت رژیم در دولت اوباما برای عدم توافق با ایران، باعث شد صهیونیست‌ها به سمت لابی‌گری و فشار روی آورند تا این‌گونه بیشترین امتیاز در مذاکرات از ایران گرفته شود. با این حال، چون برجام نتوانست خواسته‌های صهیونیست‌ها را تأمین کند، آن‌ها بعد از قدرت گرفتن ترامپ، فشار به آمریکا را برای خروج از برجام در پیش گرفتند؛ موضوعی که با روی کار آمدن بایدن و تلاش دولت آمریکا برای ازسرگیری مذاکرات، بار دیگر باعث ترس اسرائیلی‌ها شد.

بر اساس این مقاله، زمزمه‌های مذاکره دوباره باعث شد تا بار دیگر صهیونیست‌ها با استناد به اسناد جاسوسی خود، با تکرار ادعاهایی مبنی بر وجود سایت‌های مخفی و اعلام‌نشده هسته‌ای از سوی ایران، سعی کنند به اختلافات پادمانی ایران و آژانس دامن زده و پرونده هسته‌ای ایران را از شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. کاری که در پس آن صهیونیست‌ها به دنبال پیاده‌سازی مدل لیبی در ایران بودند.

غنی‌سازی اورانیوم ایران براساس قوانین بین‌الملل قانونی است

حق قانونی ایران برای داشتن فناوری هسته‌ای، استفاده صلح‌آمیز و غنی‌سازی اورانیوم موضوعی است که طی سال‌های اخیر غرب و رژیم صهیونیستی تلاش کرده‌اند تا با ایجاد جو رسانه‌ای آن را زیر سؤال ببرند؛ در حالی که بر اساس قوانین بین‌المللی امروز دنیا، همه کشورها از چنین حقی برخوردار هستند و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع دستیابی کشور دیگر به این حق شود. مقاله «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران» که مجتبی بابایی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، در سال ۱۳۹۴ آن را نوشته، ابعاد مختلف این مسئله را مورد واکاوی قرار داده است. بر اساس این مقاله، هیچ قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که اقدام دولت‌ها را در زمینه استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم منع کند؛ از این رو اقدامات دولت‌ها در این زمینه از نگاه حقوق بین‌الملل عام به صورت کلی مجاز و مشروع تلقی می‌شود. نکته مهم این مقاله آن است که هر نهاد یا مقامی که مانع دستیابی دولت‌ها به استفاده صلح‌آمیز دیگر دولت‌ها از دانش یا فناوری هسته‌ای شود، عملی مغایر با حقوق بین‌الملل عام را انجام داده است. با این حال، در حقوق بین‌الملل عام نیز دو محدودیت عمده برای فعالیت‌های مجاز دولت‌ها در این زمینه وجود دارد که طبق آن‌ها، هیچ دولتی نمی‌تواند انرژی هسته‌ای را برای ارتکاب جنایت بین‌المللی مانند تجاوز به دیگر دولت‌ها و جنایت علیه بشریت استفاده کند و حتی اگر دولتی بر اساس فعالیت‌های مجاز نیز موجب خسارت به دیگر دولت‌ها و یا آسیب جدی به محیط زیست شود، باید آن را جبران کند.

از حقوق عام بین‌المللی که بگذریم، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هم به حق غنی‌سازی ایران تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، بر اساس آنچه در این مقاله آمده، در سال ۱۹۶۸ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تدوین شد، اما کشورها به دلیل ترس از عدم حق قانونی آن‌ها برای دستیابی صلح‌آمیز به فناوری هسته‌ای، به صراحت این حق را در ماده چهار معاهده قید کردند؛ حقی که در آن دولت‌ها از حقوق صلح‌آمیز هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم به طور کامل برخوردار می‌شوند. ایران نیز به عنوان یکی از اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از این قاعده مستثنی نیست و از آنجایی که در گزارش‌های آژانس انرژی اتمی نیز هیچ‌گاه انحراف برنامه هسته‌ای به سمت سلاح هسته‌ای اثبات نشده، حق غنی‌سازی اورانیوم به عنوان یکی از ابعاد حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز ایران همچنان پابرجاست.

دست پر ایران برای پیگیری حقوقی ترور دانشمندان هسته‌ای

با وجود اینکه رژیم صهیونیستی در حمله ۱۲روزه بیش از ۱۵ دانشمند هسته‌ای کشور از جمله دکتر شهید طهرانچی و فریدون عباسی را به عنوان چهره‌های برجسته این عرصه ترور کرد و به شهادت رساند، اما این اولین بار نیست که سران این رژیم تصور کردند با ترور می‌توانند مسیر علمی هسته‌ای کشور را متوقف کنند؛ چراکه آن‌ها از اواخر دهه ۸۰ ابزار ترور را در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفتند.

موضوع مهم درباره ترور دانشمندان هسته‌ای، امکان طرح دعوی و اعاده حقوق آن‌ها در عرصه بین‌المللی است؛ مسئله‌ای که می‌تواند زمینه را برای تنبیه طراحان و اجراکنندگان طرح‌های ترور فراهم کند. مقاله «ظرفیت‌های بین‌المللی رسیدگی حقوقی ترور شهدای هسته‌ای ایران» نوشته صالح رضایی پیش‌رباط و هاشم زعفرانی، دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل واحد بین‌المللی کیش دانشگاه آزاد، در سال گذشته، به چگونگی پیگیری حقوقی این مسئله در سطح بین‌المللی پرداخته است. بر اساس این مقاله، قوانین حقوق بین‌الملل امروز تضمین‌کننده سازوکارهایی است که اقامه دعوی کیفری و حقوقی علیه عالمان حقیقی و حقوقی ترور دانشمندان هسته‌ای را در محاکم حقوقی بین‌المللی ممکن می‌سازد؛ البته رسیدن به این مسئله کار چندان هم آسانی نیست.

با وجود اینکه ایران در چهارچوب مقررات کنوانسیون مقابله با تروریسم بین‌المللی سازمان همکاری‌های اسلامی می‌تواند تعقیب کیفری اشخاص درگیر در این ترورها را در صورت داشتن مدارکی دال بر انتساب ترورها به اشخاص مورد نظر، پیگیری کند، اما به دلیل عدم عضویت در کنوانسیون‌های مقابله با تروریسم از طریق بمب‌گذاری و مقابله با تأمین مالی تروریسم، تحقق این کار با دشواری‌هایی همراه است. همچنین ایران به دلیل عدم تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری امکان این را ندارد که موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای‌اش را از طریق این دیوان دنبال کند. البته این همه ماجرا نیست، چراکه بر اساس این مقاله، ایران در صورت وجود ادله لازم و اثبات اینکه ترور دانشمندان هسته‌ای از جمله اجزای مادی تحقق یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان بوده، این امکان را خواهد داشت که با صدور بیانیه‌های موردی و قبول صلاحیت دیوان، زمینه رسیدگی دیوان به ترور دانشمندان هسته‌ای را فراهم آورد. همچنین بر اساس یافته‌های این مقاله، کشورمان از این امکان برخوردار است که در چهارچوب مقررات اساسنامه آژانس انرژی اتمی و به شرط اثبات صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به دعوی آن‌ها علیه کشورهای مورد نظر بر اساس اساسنامه آژانس، علیه دولت‌های مورد نظر عضو آژانس طرح دعوی کند.

با وجود اینکه ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی خوبی برای پیگیری حقوق دانشمندان ترور شده کشور وجود دارد، اما آنچه مسلم است اینکه معاهدات بین‌المللی هسته‌ای امروز در دنیا موضوع امنیت و حفاظت دانشمندان و کارشناسان هسته‌ای را مشخصاً مورد توجه قرار نداده و معاهدات حقوقی بشری مربوط به حق حیات و امنیت انسان‌ها نیز مرجع حقوقی‌ای را برای فیصله اختلافات بین‌المللی پیش‌بینی نکرده‌اند.

فناوری هسته‌ای ایران براساس حقوق بشر قانونی است

با وجود اینکه در تمام این سال‌ها، دنیای غرب و رژیم صهیونیستی تلاش کرده‌اند حق قانونی ایران در داشتن برنامه هسته‌ای را زیر سؤال برده و آن را اقدامی غیرقانونی بدانند، اما قوانین بین‌المللی این مسئله را تأیید می‌کند. در مقاله «بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در راستای حق بر توسعه به عنوان نسل سوم حقوق بشر» نوشته حسین فروغی‌نیا، استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی قائم‌شهر و خدیجه رنجبر، کارشناسی ارشد این مؤسسه که در سال ۱۴۰۲ منتشر شده، داشتن کشورها به برنامه هسته‌ای را به عنوان «حقوق بر توسعه» که از مصادیق نسل سوم حقوق بشر به شمار می‌آورد، تعریف کرده است. بر اساس این مقاله، نسل سوم حقوق بشر دارای ابعاد ملی و منطقه‌ای بوده و برخورداری انسان‌ها از مصادیق حقوق بشر هدفی است که از طریق فرایند توسعه دنبال می‌شود؛ فرایندی که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم از استحقاق مشارکت در فرایند توسعه جامعه خود و بهره‌مندی از مواهب آن برخوردارند.

قطعاً یکی از مهم‌ترین این موارد، تأثیر مثبت «حق بر توسعه» بر محقق شدن حقوق انرژی، برخورداری از منابع و امکانات داخلی زیرساختی از جمله فناوری هسته‌ای و فراوری غنی‌سازی اورانیوم در فرایند توسعه ملی است. این مقاله در توضیح بیشتر این مسأله تأکید کرده است: با توجه به چنین رویکردی در خصوص حقوق بر توسعه و تأمین انرژی در راستای آن، با توجه به دغدغه جامعه بین‌المللی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اعمال برخی فشارها و تحریم‌ها در قالب قطعنامه‌های عدیده طی سال‌های اخیر که به دور از منافع و ملاحظات سیاسی هم نیست، شرایطی را ایجاد کرده که می‌تواند منجر به نقش حق بر توسعه ملی کشورها در چهارچوب حقوق بشر شود. نتیجه اینکه بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای حقی عام و ذاتی است که کلیه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر و نیز به موجب حقوق بین‌الملل عام از آن برخوردارند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۴۵۷۰۰۳۱۱۳ مورخه ۲۰ / ۰۳ / ۱۴۰۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای حسین جهانیان فرزند علی‌اصغر به شماره ملی ۰۰۳۶۹۹۴۳۵۹ به شماره پرونده ۶۸۴ - ۱۴۰۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۵۵۰ (پنج هزار و پانصد و پنجاه متر مربع) قسمتی از پلاک ۲۲ اصلی واقع در بخش ۲۰ ثبت ساری قریه کوات خریداری از آقای ناصر تیموری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۹ / ۰۴ / ۱۴۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۴ / ۰۴ / ۱۴۰۴
میم الف: ۱۹۵۵۹۴۸
فریبرز یوسفیان‌حمیدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳

آگهی فقدان سند مالکیت

موقوفه امیلا کنعانی به تولیت سیدحسین مولانا با ارائه ۲ برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه اسناد رسمی ۱۴ بابل تصدیق امضاشده و طی درخواست ۱۴۰۴۲۱۷۱۰۰۰۴۰۱۱۹۶۸ مورخ ۰۷ / ۰۳ / ۱۴۰۴ اعلام نمودند که سند سه‌دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۳ فرعی از ۱۷۳۶- اصلی بخش دو غرب ثبت بابل ذیل دفتر ۴۱ و صفحه ۱۲۹ و چاپی ۲۲۹۴۲۱ به نام میراسدالله موسوی کوچکسرایی صادر و تسلیم گردیده بود و سپس مقدار مذکور برابر سند قطعی ۱۲۱۶۵ مورخ ۱۰ / ۰۱ / ۱۳۳۶ دفترخانه ۳۶ بابل به امیلا کنعانی انتقال قطعی یافته که نامبرده برابر سند وقف دایم مخلد ۶۵۱۰۲ مورخ ۱۹ / ۰۸ / ۱۳۶۵ دفترخانه ۱۶ بابل به نفع موقوف علیهم با تولولیت سیدحسین مولانا وقف گردید در اثر جابه‌جایی اعلام مفقودی نموده‌اند لذا در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می‌گردد چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در غیر اینصورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود. سریال مفقودی ۲۲۹۴۲۱ سری می‌باشد.

رونوشت به ستاد اجرایی فرمان امام (ره) جهت استحضار
تاریخ انتشار: ۰۹ / ۰۴ / ۱۴۰۴
میم الف: ۱۹۵۵۸۶۱
سید مهدی حسینی‌کریمی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابل

آگهی فقدان سند مالکیت

موقوفه امیلا کنعانی به تولیت سیدحسین مولانا با ارائه ۲ برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه اسناد رسمی ۱۴ بابل تصدیق امضا شده و طی درخواست ۱۴۰۴۲۱۷۱۰۰۰۴۰۱۱۹۶۸ مورخ ۰۷ / ۰۳ / ۱۴۰۴ اعلام نمودند که سند سه‌دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۳ فرعی از ۱۷۳۶- اصلی بخش دو غرب ثبتبابل ذیل دفتر ۴۱ و صفحه ۱۲۵ و چاپی ۲۲۹۴۲۰ به نام سیدعلی نقی موسوی کوچکسرایی صادر و تسلیم گردیده بود و سپس مقدار مذکور برابر سند قطعی ۱۲۱۶۵ مورخ ۱۰ / ۰۱ / ۱۳۳۶ دفترخانه ۳۶ بابل به امیلا کنعانی انتقال قطعی یافته که نامبرده برابر سند وصیت ثلث موبد ۶۵۱۰۱ مورخ ۱۹ / ۰۸ / ۱۳۶۵ دفترخانه ۱۶ بابل با تصدی سیدحسین مولانا ثلث نموده در اثر جابه‌جایی اعلام مفقودی نموده‌اند لذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می‌گردد چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود. سریال مفقودی: ۲۲۹۴۲۰ سری می‌باشد.

رونوشت به ستاد اجرایی فرمان امام (ره) جهت استحضار
تاریخ انتشار: ۰۹ / ۰۴ / ۱۴۰۴
میم الف: ۱۹۵۵۸۳۷
سیدمهدی حسینی‌کریمی - اداره ثبت اسناد و املاک بابل

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY